

تفسیر آیه ۹۹ سوره حجر از نظر صوفیه و نقد آن

شهره شریفی کوفلی، دانش‌آموخته مدرسه علمیه شهید مطهری

در باب تفسیر آیه ی «وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ» در میان صوفیان دو نظر کلی دیده می‌شود. برخی مطابق نظر مفسران یقین در این آیه را به معنای مرگ تلقی کرده‌اند و برخی دیگر آن را فنا فی‌الله معنا نموده‌اند. هریک از این دو معنا به دو عقیده‌ی سقوط تکلیف و یا بقای تکلیف رأی می‌دهد.

برخی صوفیان این تأویل باطل آیه را نمی‌پذیرند که می‌گویند معنای آن اسقاط عبودیت و معامله است، چون عین‌الیقین برای سالک نمایان شده است. (سلمی، ۱۳۶۹، ج ۳، ص ۳۵۶). بلکه تأویل صحیح آیه معنای یقین را مرگ می‌داند (میبدی، ۱۳۷۱، ج ۶، ص ۷۲)، زیرا اختلافی در وقوع امر یقینی در میان همه‌ی موجودات زنده نیست، اختلاف فقط در وقوع ماهیت امر یقینی است. (ابن عربی، ج ۲، ص ۲۹۵). دلیل صاحب‌الکشف الاسرار از این تأویل آن است که عیسی علیه‌السلام فرمود: «وَ أَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا» (مریم/۳۱). وی در جای دیگر این آیه را با آیه ی «فَاعْبُدْهُ وَ اصْطَبِرْ لِعِبَادَتِهِ» (مریم/۶۵) مقایسه می‌کند و می‌گوید عبادت سخت و خسته‌کننده است و مؤمن به صبر بر عبادت امر شده است، زیرا صبر مقرون به کراهت و سختی است. (میبدی، ۱۳۷۱، ج ۶، ص ۷۲). ثمره‌ی اعتقاد به مرگ به عنوان تأویل یقین در این آیه بقاء تکالیف شرعی تا زمان مرگ است و بعد از مرگ تکلیف ساقط می‌شود.

برخی دیگر از صوفیان، فناء فی‌الله را تأویل آیه‌ی شریفه می‌دانند. یکی از بزرگان تصوف در تبیین مسئله می‌گوید: از نظر صوفیه حکم شریعت تا آن‌جاست که قالب و بشریت برجای باشد که حکم خطاب و تکلیف بر قالب است، اما کسی که قالب را بار گذاشته باشد و بشریت افکنده و از خود بیرون آمده باشد، تکلیف و حکم خطاب برخیزد؛ کفر و ایمان بر قالب تعلق دارد. اما نمی‌شود و نباید بشود که با وجود همه‌ی حقایق و معارف و نیستی و نابودی همه‌ی تکالیف، شریعت باقی بماند. (همدانی، ۱۳۶۱، ص ۴۱۶). دلیل برخی صوفیه مبنی بر این‌که عبادت از فانی در حق ساقط می‌شود، همین آیه‌ی شریفه است.

در حقیقت، از جمله عقاید فاسد صوفیه، اعتقاد آن‌ها به این است که سالک هنگام عبادت خدا، اگر به مرتبه‌ی وصول و یقین رسید، عبادت از او ساقط شده و نیازی به عبادت ندارد. زیرا خداوند متعال می‌فرماید: «وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ». یقین در نظر این گروه علم و عرفان و از نظر اهل بیت علیهم‌السلام مرگ است. (هاشمی خوبی، ۱۳۸۷، ص ۲۷۴).

در تفسیر این آیه سخن بسیار گفته شده است، از جمله فارس می‌گوید: «وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ» تا به یقین بررسی چون با پرستش او حق بندگی‌اش را به‌جا نیاوردی و باز می‌گویی: آن‌کس که به معبودش بنگرد از عبادتش سقوط کند و آن‌کس که به عبادتش بنگرد از معبودش سقوط کند. حلاج نیز در این‌باره گفت تا به یقین بررسی زیرا تو نمی‌توانی او را پرستش کنی و کسی او را نمی‌تواند عبادت کند تا این‌که به عبودیت ابتدا و انتها نایل آید. در این حالت مستوجب مکافات و آلام خواهد شد. (حلاج، ۱۳۸۹، ص ۱۶۰).

یقین به سه قسم علم‌الیقین، عین‌الیقین و حق‌الیقین تقسیم شده است. از نظر علاءالدوله سمنانی، علم مجرد مطابق با واقع و نسبت به شریعت است، علم‌الیقین به آغاز مقام مکاشفه، عین‌الیقین به وسط مقام مکاشفه و حق‌الیقین نیز به انتهای مقام مکاشفه تعلق دارد. حقیقت حق‌الیقین نیز یقین مجرد است، زیرا «وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ» به قطب درجات مقام مکاشفه تعلق دارد و هر که این مقام را درک کرد، هرچه بگوید، از تمام جهات مطابق واقع است. (سمنانی، ۱۳۸۳، ص ۳۴۶). بنابراین اگر وظایف شرعی را انجام ندهد یا به مریدی بگوید فلان عبادت را ترک کند، مطابق با واقع است و عقابی در پی ندارد.

نقد دیدگاه صوفیه

در میان صوفیان، افرادی هستند که به سقوط تکلیف رأی نداده‌اند. اشخاصی هستند که می‌گویند: «کسی که خدا را شناخت، عبادت و عبودیت از او ساقط می‌شود»؛ منظور فرائض و احکام است. اما چگونه اوامر پروردگار از عارف ساقط می‌شود؟ چگونه عارف از عبودیتش، که همان قرب باشد، لذت نمی‌برد، درحالی که خداوند می‌فرماید: «وَاسْجُدْ وَاقْتَرِبْ» (علق/۱۹)؛ در حقیقت، عارف قرب و تقرب به خدا را آرزو می‌کند، نه این که تکلیف از نفس او ساقط شود و او با نفس خویش مهربانی کند. (سلمی، ۱۳۶۹، ج ۳، ص ۳۵۷).

در بیشتر تفاسیر، یقین در این آیه به معنای مرگ است. برخی مفسران با تفسیر ابتدا و انتهای آیه به نتیجه‌ی بسیار ارزشمندی می‌رسند که نشان از تفکر عقلی آن‌ها دارد. از جمله: منظور آیه، سلوک در منهج تسلیم و اطاعت و قیام به لوازم عبودیت است. بنابراین معنای یقین، رسیدن اجل مرگ است که با فرا رسیدنش، غیب به شهادت و خبر به عیان تبدیل می‌شود، (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲، صص ۱۹۵-۱۹۶). در واقع، شریف‌ترین ویژگی‌های انسان قیام او به حقیقت عبودیت است. (قشیری، ۱۹۸۱م، ج ۲، ص ۲۸۳). حقیقت عبودیت به بیان قرآن، عبودیتی است که در پی محبت به خدا انجام شود؛ بزرگ‌ترین سعادت و رستگاری برای محب و عاشق این است که محبوب از او راضی باشد و صرف ارضای نفس خویش عبودیت نیست. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، ص ۳۳۹). بنابراین اگر سالک واصل عبادت را ترک کند، در برابر امر قطعی و مطلق خداوند، وَاعْبُدْ رَبَّكَ، سر تسلیم فرود نیاورده است و از جرگه بندگی خارج شده است.

در نقد این دیدگاه صوفیه می‌توان به روایتی از نبی مکرم اسلام اشاره کرده که هم در منابع صوفیه و هم در منابع شیعه به آن اشاره شده است: «يَا أَبَا ذَرٍّ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يُوحِ إِلَيَّ أَنْ أَجْمَعَ الْمَالَ إِلَى الْمَالِ وَ لَكِنْ أَوْحَى إِلَيَّ أَنْ سَبَّحَ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَ كُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ وَ اعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّى يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ» (غزالی، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۷۱)؛ «ای ابوذر! همانا خداوند تبارک و تعالی به من وحی نکرد که مالی را به مالی اضافه کنم، بلکه به من وحی کرد پروردگارت را تقدیس و ستایش کن و از سجده‌کنندگان باش و پروردگارت را تا وقتی که یقین به بتو برسد، عبادت کن.» سؤال: چرا خداوند در این آیه، عبادت خویش را محدود به زمان یقین کرده است؟ زیرا یقین نتیجه‌ی عبادت خداست. عین الیقین از طریق مشاهده با چشم، هنگام مرگ، میسر می‌شود و علم‌الیقین حاصل عبادت خداست. کسی که رغبتی به دنیا ندارد و هرکاری را به‌خاطر رضای خدا و اطاعت از خدا انجام می‌دهد، شایستگی برخوردار از خیرات و عبادات را دارد. (بلخی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۵۸).

به نظر می‌رسد مدعیان تصوف شیعی به یک نکته‌ی مهم توجه نکرده‌اند و آن این روایت شریف است که می‌فرماید: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي كِتَابَ اللَّهِ وَ عِتْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي فَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۷، ص ۳۹۶). از این روایت برمی‌آید که برای گمراه نشدن باید به کتاب خدا و اهل بیت پیغمبر علیهم‌السلام تمسک جست. بنابراین در تفسیر آیات قرآن مراجعه به روایات صحیح حضرات معصومین ضروری است. در روایات رسیده از امامان معصوم علیهم‌السلام، معنای یقین در آیه‌ی مورد بحث مرگ است. چنان که امام صادق علیه‌السلام در بخشی از یک روایت می‌فرماید: «حتى أتاك اليقين أي الموت إشارة إلى قوله تعالى وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّى يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۷، ص ۱۵۱)؛ «تا این که یقین یعنی مرگ به تو برسد همان‌گونه که خداوند متعال به آن اشاره می‌کند: تا وقتی که یقین به تو برسد پروردگارت را عبادت کن.»

بنابراین عقیده‌ی اسقاط تکلیف بر اثر عبادات و ریاضت‌ها پوچ محض است، زیرا اگر رسیدن به مراتب عالی، منجر به سقوط تکالیف شود، باید از انبیا و اوصیا ساقط می‌شد. (امام جعفرین محمد صادق علیه‌السلام، ۱۳۷۷، ص ۴۷۲). اما می‌بینیم انبیا و ائمه‌ی معصومین علیهم‌السلام تا آخر لحظات حضور در جسم خاکی دست از عبادت معبود برنداشته‌اند.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابن عربی، محیی‌الدین (بی‌تا)، **الفتوحات المکیه**، بیروت: دار الصادر.
۲. امام جعفرین محمد الصادق علیه‌السلام (۱۳۷۷)، **مصباح الشریعه**، ترجمه و شرح عبدالرزاق گیلانی، تحقیق و تصحیح رضا مرندی، قم: پیام حق
۳. بلخی، بهاء‌الدین محمد (۱۳۸۲)، **معارف** (چاپ سوم)، تحقیق و تصحیح بدیع‌الزمان فروزانفر، تهران، طهوری.
۴. حلاج، حسین بن منصور (۱۳۸۹)، **مجموعه آثار حلاج** (چاپ دوم)، ترجمه‌ی قاسم میرآخوری، تهران: شفیعی.
۵. سلمی، ابوعبدالرحمن محمد بن الحسین (۱۳۶۹)، **تاریخ الصوفیه**، تصحیح مصطفی عبدالقادر عطا، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۶. سمنانی، علاءالدوله (۱۳۸۳)، **مصنفات فارسی سمنانی** (چاپ دوم)، تحقیق و تصحیح نجیب مایل هروی، تهران: علمی و فرهنگی
۷. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ق.)، **المیزان فی تفسیر القرآن** (چاپ پنجم)، قم: جامعه‌ی مدرسین.
۸. غزالی، ابوحامد محمد (بی‌تا)، **احیاء علوم‌الدین**، بیروت: دارالکتب العربی.
۹. القشیری، عبدالکریم (۱۹۸۱م.)، **لطائف الإشارات** (چاپ سوم)، تحقیق و تصحیح ابراهیم بسیونی، مصر: هیئة المصریة العامه للكتاب.
۱۰. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق.)، **بحار الأنوار** (چاپ دوم)، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۱. میبدی، ابوالفضل (۱۳۷۱)، **کشف‌الاسرار و عدة‌الابرار** (چاپ پنجم)، تهران: امیرکبیر.
۱۲. هاشمی خویی، حبیب‌الله (۱۳۸۷)، **نگرشی بر صوفیه و صوفی‌ها/ ترجمه‌ی منهج البراعة فی شرح نهج‌البلاغه**، ترجمه سیدحسن حسینی دولت‌آبادی، قم: سلسله.
۱۳. همدانی، عین‌القضات (۱۳۴۱)، **تمهیدات**، تحقیق و تصحیح عقیف عسیران، تهران: دانشگاه تهران.